**نقد هنری:**

**جلسه اول:**

همانگونه که در ترم گذشته در درس هنر معاصرگفته شد از دوران مدرن نقد هنری از اهمیت بسیار برخوردار شد تا پیش از دوران مدرن نقد اصولی و درست از هنرمندان صورت نگرفته بود جز نوشته های ادبی یا سرگذشت هنرمندنقد اصولی نبود اما از دوران مدرن توجه تیوری به هنر، تاریخ هنر و نقد هنری بسیار با اهمیت شد. همچنان در دوره پست مدرن و دوران معاصر نقد هنری جزو لاینکف هنر گشت به خصوص دوران پست مدرنیسم که مباحث نظری هنر با اهمیت بود و اغلب هنرمندان خود اساتید دانشگاه و نظریه پرداز بودند مسایله مهم در دوران پست مدرنیسم یعنی از اواخر 1970 میلادی به بعد مسایل بیرون اثر هنری ارزش یافت یعنی مسایلی که باعث خلق ان هنر شدند حال می­توانستند مسایل روانشناسی یا جامعه شناسی یا فمنیستی و... باشند و دیگر تنها به نقش درون و ساختار و فرم اثر هنری بسنده نکردند و بیشتر به بیرون اثر هنری پرداخته شد از منتقدان بنام دوره مدرنیسم کلمنت گرینبرگ، رزنبرگ و کلایو بل در نیویورک در سال­های 1930 تا 1960 میلادی که نقش عمده­ایی در شکلگیری و رشد هنر اکسپرسیونیسم انتزاعی داشتند را نام برد همچنین راجر فرای که یک منتقد فرمالیستی است وبسیار تحت تاثیر اموزه­های فیلسوفی چون امانو ئل­ کانت است که در ابتدا خودش نقاش بود اما در زمینه نقد هنری مشهور است.

حال نقد هنری چیست؟ نقد هنری به طرق­های مختلفی بوده و اثار هنری را مورد بررسی و تحلیل قرار می­دهند.گرایش­های مختلف نقد که از طریق شکل و صورت درونی خود اثر هنری است یا ارجاعاتی که بر اساس ساختمان کلی اثر و فرم بیان استنقد فرمالیستی می­گویند و دلالت­های معنایی و محتوایی و یا هر انچه بیرون خود اثر است که باعث بوجود امدن اثر هنری شده است را نقد محتوایی یا هرمونوتیک می­گویند پس اگر نقد هنری بر اساس شکل عینی اثر و ساختمان عینی و فرم اثر باشد خارج اززمان و مکان خاص است و هدف ان زیباشناسی فرم اثر هنری است این نثد نثدی فرمالیستی است برای مثال شما یک تابلو از رامبراند را نقد فرمالیستی می­کنید شما به بررسی فرم، رنگ، خط، ترکیب بندی و هر انچه درون اثر رامبراند میبینید می­پردازیدشما به زیباشناسی فرم­ها توجه می­کنید و از ان می­نویسید و دیگر به فکر زمان و مکانی که رامبراند اثرش را خلق کرده است نیستید . حال اگر به بیرون اثر توجه کنید به اینکه چرا رامبراند ان اثر را افریده چه عواملی باعث شده­اند کدام دوره از زندگی هنرمند بوده از لحاظ روانی چگونه بوده اینبار ما به نقد هرمونوتیکی پرداخته ایم.

**هرمونوتیک:**

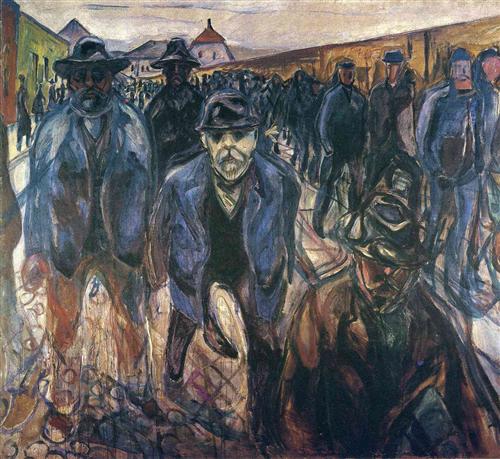
واژه هرمونوتیک دارای معادل­هایی چون تاویل، تفسیر وتعبیر است. از قابلیت­های ذهنی انسان است که مقابل پدیده­ها در ذهن خود معنی­سازی می­کند یا در پی کشف معنی پدیده­هاست. اما برای تفسیر ابتدا یک روش لازم است انچه مسلم است خود اثر هنری یا متن مفسر را به سوی روش برای تفسیر سوق می­دهد. تمام پدیده­ها چه انها که دست ساخته انسان و جه طبیعی مورد بحث هرمونتیک می­توانند باشند. ابتدا هرمونتیک همان تفسیر از کتاب مقدس بود. هرمونوتیک از واژه فعل هرمونیون در یونان باستان به معنی تاویل است و اسم هرمونیون باز به معنی تاویل است از ریشه هرمس که خدای یونان باستان بوده است هرمس در یونان باستان خالق خط و زبان بوده هرمنیون اشکار شدن پیام است و اینکه همه پدیده­ها دارای دلالت­های معنایی هستند و بنابراین لزوما باید پدیده­ها را تاویل و تفسیر کرد. هرمونوتیک را ارسطو در کتابش بنام ارغنون به­کار برده است اما لفظ هرمونتیک به شیوه امروز از قرن 17 باب شد و برای شناخت گونه­ایی از دانش به کار رفت.

**روش­های تاویل متن:**

1. از طریق فهم و درک نیت مالف (هنرمند) تفسیر صورت می­گیرد. 2- از طریق ساختار و ماهیت خود متن با اثر هنری 3- یا تفسیر بر اساس قصد و نیت مفسر صورت می­گیرد که در این صورت مفسر در پی شواهدی است که بتواند با نیت و قصد خودش هماهنگ سازد و تطبیق دهد و برای این تطبیق توجیهاتی داشته باشددر واقع تاویل کشف معنی نهفته در عمق اثر هنری است. در واقع علم هرمونتیک تعامل مفسر و اثر هنری برای کشف معنا در ان اثر است. و مساله اصلی هرمونتیک روش دستیابی به نیت مالف همان نیت هنرمند از متن یا همان اثر هنری است.

رابطه فرم و محتوا پایه اصلی تمام نقد­ها و گرایش­هایی چون نقد عینی و فرمالیستی و نقد موضوعی چون نقدروانشناسی، نقد زندگینامه­ایی، نقد جامعه شناسی، نقد فمنیستی، نقد مارکسیستی، نقد پدیدارشناسی و... حال این نقد موضوعی با تمام زیر مجموعه­هایش نقد هرمونتیک است. در زیر به نمونه­هایی از نوشتن نقد بر روی اثر نقاشی اشاره می­شود.

بازگشت کارگران به خانه، اثر ادوارد مونش در سال 1916 میلادی است رنگ و روغن بر روی بوم است در سایزی بزرگ 201 در 227 سانتیمتر که در موزه مونش نگهداری می­شود. یکی از نقاش‌های مونش است که به خوبی بیانگر اوضاع و احوال دوران می­باشد. مونش این تابلو را در سال‌های بعد از جوانیش کشیده است. او در این سال‌ها به مردم زحمتکش و فعالیت‌های روزمره­شان توجه نشان می‌داد. این تابلو در سال 1916م. زمان اروپایی درگیر جنگ قریب­الوقوع، کشیده شده است. اروپا اکنون بیش از هر چیز با مسائل کارگری روبرو است. به زودی انقلاب اکتبر و قیام‌ها کارگری آلمان پیش می‌آید. مونک درون­گرا نیز همواره به مضمون‌های بشری می‌پرداخت. او در این پرده گوشه‌ای از یک زندگی واقعی را نشان می‌دهد. او جنبة تاریک هستی و عناصر شر و فاجعه­آمیز را وا می‌نهد؛ لیکن تا پایان عمر هیچ­گاه از اندوه و دلهرۀ سال‌های گذشته نمی‌رهد (پاکباز، 1388: 399). تصویر، کارگرانی با لباس‌هایی آب تیره با کلاهی بر سر که همگی مرد هستند را نشان می‌دهد. سه مرد در جلوی تصویر با چشمانی که از سفیدی در آن خبری نیست یکی جلوتر از دیگری به شکل اریب، به سمت جلو در حرکتند و در پشت سرشان انبوه کارگرانی است که در حال برگشت به خانه‌اند. خطوط دورگیری شده و رنگ­پردازی از فریاد بی­عدالتی کارگرانی که از پایمال شدن حق­شان توسط قشر بالای جامعه که این حق، هر لحظه ضایع می‌شود خبر می‌دهد. بازگشت از کار هر روزه که از بی عدالتی حرف می‌زند از تیرگی و سیاهی جامعه‌ای که سیاهیش بر صورت و اندام کارگران نقش بسته است. بازگشت از کار در زیر آسمانی که خاکستری است. مونک این نقاشی را دوبار با رنگ و روغن اجرا کرده است، تنها تفاوت در این دو نقاشی در نحوة ایستادن سه مرد در جلوی تصویر است. هنرمند به خوبی واقعیت حقیقی جامعه را نشان داده است. آدم‌هایی با یک لباس مشخص و هم­رنگ، نشان از زندگی یکسان و همانند­شان می‌دهد. زندگی که در آن تنها کار، به ازای زنده ماندن است. سه کارگر در جلوی تصویر، خیره به ما نگاه می‌کند. آنان خواستار، حقوق پایمال شده­ هستند. با صورت‌هایی که ساده و بی­تکلف و به شکل کارتون مانند نقاشی شده­اند.



1915. ادوارد مونش. بازگشت کارگران. رنگ و روغن روی بوم. 227×201 سانتیمتر.   
موزه مونش.

در همین راستا، آلمان چهار سال شکست خود را در جنگ جهانی اول پشت سر می‌گذارد این دوران مخوف و تکان دهنده بود.

انچنان که ملاحظه کردید در گام اول برای نوشتن نقد شما باید سالی که ان اثر خلق شده است سالی که خود هنرمند در ان میزیسته بررسی مسایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ان دوران سرگذشت خود هنرمند نام کشوری که در ان زندگی کرده و به طور خلاصه در گام اول باید شروع کنید به پیداکردن بیوگرافی از ان هنرمند و یک بیوگرافی از ان اثر و سال خلق اثر و این­ها خود به شما کمک می­کنند و شما را سوق می­دهند به نوشتن نقد از ان اثر پس در گام اول از شما خواهش می­شود یک اثر هنری نقاشی را انتخاب کنید و به پیداکردن بیوگرافی نقاش و اثر بپردازید و در ابتدا ان را بنویسید سپس به نقد فرمالیستی از اثر بپردازید از ترکیب بندی، نحوه قلمگذاری، رنگها و خطوط و... بپرردازید سپس به دنبال چرایی باشید اینکه چرا هنرمند از این رنگ­های تیره استفاده کرده یا شخصیت­های درون کار انسان­های سرخورده­ایی هستند دایما در جستجوی این چرایی­ها باشید و از طریق زمان و مکان و اتفاقات میتوانید ان اثر را تفسیر کنید و جواب چرایی­ها روشن می­شود و در واقع به نیت مالف پی برده خواهد شد.در صورت بروز هر گونه سوال و مشکل می­توانید در واتس­اپ مطرح کنید و من راهنماییتان میکنم.